

www.ketab.ir

قایق، آینه، سیب

آرش اعلانی

ط:با
مطبعه سیب

پنجره شعر امروز

سرشناسه: اعلانی، آرش
عنوان و نام پدیدآور: قایق، آینه، سیب/ آرش اعلانی
مشخصات نشر: تهران، انتشارات مایا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۷۲ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۶-۳۷۱-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۲۳ق ۷۳/ع PIR۸۳۳۴
رده بندی دیویی: ۸۴۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۹۵۹۴۶

ما:یا
انتشارات مایا

قایق، آینه، سیب
آرش اعلانی
نشر: مایا
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۶-۳۷۱-۳
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج
صفحه آرایی: گروه هنری مایا
طرح جلد: مریم زراعت پیشه
حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد.

ارتباط با ما:

mayapub.ir
۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰۰-۰۲۱۶۶۴۱۰۸۱۴
nashr_maya
nashrmaya@gmail.com

دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخررازی، شهدای زاندارمری غربی، شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۱۰۸۱۴
فروشگاه ۱: خیابان شریعتی، نرسیده به دولت، شماره ۱۵۷۱، تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵
فروشگاه ۲: خیابان کریم خان زند، خردمند جنوبی، نبش کوچه یگانه، کافه کتاب فراموشی، تلفن: ۸۸۸۴۲۰۶۰

مقدمه

اگر چه شاید نوشتن مقدمه برای مجموعه شعر، آن هم توسط خود شاعر چندان مرسوم و معمول نباشد، اما از آن جا که مجموعه شعر حاضر قدری خارج از چارچوب‌های شناخته شده‌ی شعر امروز فارسی سروده شده است و ایجاد ارتباط با آن نیاز به کمی تفسیر و توضیح دارد، لذا ناگزیرم قدری در خصوص این مجموعه کوچک قلم‌فرسایی نمایم.

پیشاپیش با کمال فروتنی اعلام می‌نمایم حقیر کاملن باور دارد که نیاز به داشتن مقدمه و توضیح و تفسیر برای شعر از نقاط ضعف آن شعر محسوب می‌گردد و در واقع شعری که برای درکش پیش نیاز متن وجود دارد، شاید شعر خوبی نباشد. با این وجود، شرایط کنونی زبان فارسی و آن چه در چند دهه گذشته بر آن رفته است شاید

چنین قضاوتی را در مورد این اشعار، با تردید مواجه کند چرا که متاسفانه زبان فارسی و ستاره‌ی درخشان آن، شعر فارسی، به تبع مردمان فارسی زبان، دچار فراز و نشیب‌های فراوان گشته و زبان از قله‌های زیبای رمانس و درام و یا فلسفه، به گرداب خشم و تفلای برای بقاء سقوط کرده است. امروزه مردم از زبان فارسی بیشتر برای بیان خشم و ناسزا استفاده می‌کنند و نسل کنونی ایران، نه تنها برای ارتباط با شعر حافظ و سعدی و یا شاملو نیاز به پیش‌نویس و مقدمه دارد بلکه برای خواندن یک متن اداری هم نیاز به خروج موقت از فضای زبان الکن شبکه‌های مجازی و بازگشت به زبان مادری خود دارند.

از این‌رو تصور می‌کنم نوشتن مقدمه و توضیح برای کمک به برخی از خوانندگان محترم جهت یادآوری اسلوب زبان و مرور داشته‌های فراموش شده و نهایتاً معرفی این مجموعه شعر لازمه چنین سبک شعری در شرایط کنونی است. البته مسلم خوانندگان فرهیخته‌ی بسیاری نیز هستند که نیازی به چنین مقدمه‌ای ندارند و صد البته که مخاطب این متن آنان نمی‌باشند.

زبان در حالت بدوی آن، ابزار ارتباط با دیگران است و در حالت توسعه یافته‌تر به وسیله‌ی بیان اندیشه مبدل می‌گردد. اگر شرایط مساعد باشد و جامعه در همی ارکان پیشرفت کرده باشد، آن‌گاه زبان در حالت بسیار مدرن، ابزار ارتباط با خویشتن و درون انسان می‌گردد و از این‌جا به بعد شاید نام شعر را بتوان بر آن نهاد. در واقع شعر محصول ارتباط و یا گفتگوی خصوصی انسان با خویشتن

است، نه خویشتن بیولوژیک او، بلکه آن خویشتنی که "من" را تعریف می‌کند.

انسان با هنر سعی می‌کند به آن چه "ناخودآگاه" ذهن می‌نامند دسترسی یابد و مصادیق موجود در اعماق ناخودآگاهش را تا آن جا که امکان دارد استخراج و بیان کند. اگر چه موسیقی در این کار بسیار موفق عمل می‌کند اما پیچیدگی‌های تکنیکی آن باعث دشواری امر گشته و البته موسیقی ذاتن فاقد یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌هایی است که انسان مدام آن را جستجو می‌کند، جاودانگی. موسیقی باید هر بار بازتولید شود و این برای بنکسی تاریخ که از دیوار غارها گرفته تا دیوار شهرها برای یادآوری "بودن" استفاده کرده است خبر خوبی نیست. برای موسیقیدان سفر به جهان خویشتن سفری طولانی است و دستاورد آن سفر نیز مانا نبوده و هر بار باید به نوعی سفر تکرار شود. اما برای یک شاعر، همه‌ی داستان ممکن است در عرض چند دقیقه پایان یابد و البته نتیجه تا ابد روی چند سطر کاغذ جاودان گردد. در واقع شعر سریع‌ترین دستبرد به خویشتن است!

با توجه به سطور بالا، شعر فارسی اصولن دوران خوبی را سپری نمی‌کند چرا که جامعه‌ی امروز جامعه‌ی "وارستگی" نیست، بلکه جامعه‌ی "بقاء" است و این زبان را به مراحل بدوی‌تر سوق می‌دهد چرا که لازمه‌ی بقاء، داشتن ابزارهای بیان نیازهای بیولوژیک و دفاع از آن‌ها است.

زبان فارسی امروز زبان گفتگو با دیگران است نه گفتگو با خویشتن. در واقع زبان امروز نقش یک "ایموجی" را دارد که "خشم"، "خوشحالی"، "گرسنگی" و "اشیاء" را بیان می‌کند. شعری که با این زبان توسط یک آدم بیولوژیک سروده شود را شاید بتوان با همان نشانگرهای ایموجی نیز بیان کرد چرا که مصادیق و مفاهیم‌اش خیلی پیش پا افتاده هستند و البته عین این اتفاق را در ترانه‌های پاپ امروز ایران نیز شاهد هستیم.

حال در چنین فضایی حقیر باید سعی نمایم "قایق، آینه، سبک" را معرفی نموده و خوانندگان محترم را ترغیب به خواندن و دوست داشتن‌اش نمایم!

این جانب هرگز برای شاعر بودن سراغ شعر نرفته‌ام و شاید دلیلش این است که موسیقیدان هستم. در طول سالیان اشعاری را به سبک سپید جسته و گریخته سروده‌ام که همه و همه فقط یک خواننده و یا مخاطب داشته است، همسرم. در واقع شعر برایم بسیار خصوصی و درونی بوده است. همچنین سال‌ها دوری از ایران باعث گشته که زبان فارسی "ریشه" و یا "گذشته"ی من باشد، نه ابزار ارتباط با دیگران. شاید همین موارد کافی باشد که "زبان شعر" این مجموعه از مصیبت‌های اجتماعی که روزانه در ایران جریان دارند، مصون باشد.

صد البته که در این سر دنیا نیز به عنوان یک مهاجر هزاران مشکل وجود دارد و شاید مشکلات زندگی روزمره این جانب کمتر از مشکلات یک راننده محترم تاکسی در تهران نباشد، اما نکته این جاست که من برای حل این مشکلات، بیان خشم و خوشحالی‌ام از زبان فارسی استفاده نمی‌کنم و باید به انگلیسی داد بزنم! لذا فارسی برای من کمتر تحت تاثیر محیط است و این باعث پلایش و آرامش آن، از هر آنچه زبان را به قهقرا سوق می‌دهد، شده است.

درک می‌کنم برخی خوانندگان شعر امروز ایران، از شعر انتظار دارند که حلال مشکلات باشد و یا مسئولیت‌های اجتماعی را گردن شعرا می‌اندازند. متأسفانه حقیر بر این باور است که شعر و کلن هنر کارش حل مشکلات نیست، برای حل مشکلات باید از فکر و دست و پا استفاده کرد. زمانی شاید هنر در نقش یک رسانه وسیله‌ای اشتراک و یا بیان شرایط و عقاید بود که البته امروزه اینستاگرام این کار را به مراتب بهتر و دقیق‌تر از هر هنری انجام می‌دهد و دیگر لازم نیست شاعری در خفا با رمز و راز، بی‌عدالتی‌ها را برای آیندگان بازگو کند که البته در این حالت شعر، صرف نظر از زیبایی‌شناسی و تکنیک، هدف‌اش تشریح عقاید و یا احساسات شاعر از یک پدیده اجتماعی است تا کنکاو خویشتن و کشف ناشناخته‌های انسان.

البته حقیر مخالفتی با شعر اجتماعی ندارم، فقط آموخته‌ام که هرگز هیچ معضل اجتماعی با صرف سرودن شعر حل نشده است. اگر چنین بود، اصولاً در ایران که مهد شعر جهان است، امروز نباید مشکلی به چشم می‌خورد!